

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: بابک آزاد

۲۱ اگست ۲۰۱۶

ضرب و شتم کارگر و محبوس کردنش در قفس سگ!

تاریخ سلطه سرکوبگرانه جمهوری اسلامی به مثابه رژیم حامی نظم سرمایه داری وابسته حاکم با وضوح تمام نشان داده است که این رژیم ددمنش در سرکوب کارگران و پایمال کردن حقوق به حق شان تاکنون از هیچ جنایتی دریغ نکرده است. این دیکتاتوری لجام گسیخته آن چنان شرایط توصیف ناپذیری را برای کارگران شکل داده که روزی نبوده که شاهد ترند و دسیسه جدیدی از سوی کارفرمایان علیه کارگران نبوده باشیم. به همین دلیل هم وقتی خبرگزاری های خود رژیم در تیرماه [سرطان] امسال خبر دادند که در کرج، کارفرمای زالو صفت یک کارگاه مبل سازی در مقابل درخواست برخی کارگر هایش مبنی بر پرداخت حقوق های معوقه شان، با برنامه از پیش طرح ریزی شده، دو کارگر طلبکار را با ضرب و شتم دستگیر و در قفس سگ ها محبوس نموده، این اقدام ضد کارگری با همه دردناکی اش چندان نمی توانست تعجب کسی را برانگیزد.

در جمهوری قتل و جنایت که هر روز هر کارفرمایی با توسل به نیروی سرکوب دولتی به شکلی کارگران را مورد اذیت و آزار قرار داده و گاه به زندان می اندازد تا شرایط را برای استثمار وحشیانه کل کارگران بهتر مهیا نماید، براستی چه تعجبی دارد که یک کارفرمای رذل هم با ایادی سرکوبگر خود به همان کاری دست بزند که همواره نیروی سرکوب رژیم حامی اش برایش انجام می داده است.

البته این که عناصر خود طبقه سرمایه دار آن چنان خود را از قوانین خودساخته رژیم شان - یعنی همان قوانینی که در همه جا به نفع آن ها تنظیم شده - آزاد احساس می کنند که بی توجه به نقشی که در این قوانین به نیروی پولیس و سرکوب داده شده، خود مستقیماً اجرای وظایف نیروی سرکوب را به دوش می گیرند، خود منعکس کننده شرایط دهشتناکی است که جمهوری اسلامی به قیمت به خاک و خون کشیده شدن کارگران برای بورژوازی حاکم به وجود آورده است. بی قانونی، قانونی شده که سرمایه داران و ایادی شان با آن برای کشیدن تمام و کمال شیرۀ جان کارگران از هیچ ترند بیشزمانه ای روی گردان نیستند و از این طریق بهشت ادعائی شان را برای خود به جای آسمان در زمین شکل داده اند.

گرچه این واقعیتی انکار ناپذیر است که در نظام سرمایه داری وابسته ایران که دیکتاتوری روبنای ذاتی آن می باشد، هیچ حقی از تعدی قدرت دولتی در امان نیست، اما این بی حقی و این تعرض به حقوق کارگران و رنجبران امروز

چنان ابعادی به خود گرفته است که هیچ گاه چنین بیشرمانه و بدون پوشش در مقابل چشم همگان به نمایش گذاشته نشده بود.

کارگران آگاه و همه کسانی که آرمان های طبقه کارگر راه نمای حرکت شان می باشد فراموش نکرده اند که مدتی پیش کارفرمای کارخانه اشکان چینی در قزوین هر چند ماه یکبار حدود ۱۵۰ کارگر کارخانه خود را بدون پرداخت حقوق اخراج کرده و مبادرت به استخدام کارگران جدید می نمود و به این ترتیب برای چند ماه عملاً از کارگر بی مزد سود می جست. شکی نبود و نیست که این کارفرمای بی شرم تنها با پشتیبانی عناصر قدرتمندی در دم و دستگاه دولتی و به اتکای بی قانونی که جمهوری اسلامی بر قرار ساخته قادر به چنین کلاه برداری و سودجویی از کارگران شده بود. در چنین شرایطی و در چنین رژیمی است که عمل ردیالنه کارفرمای مبل سازی کرج که به جای پرداخت دستمزد معوقه کارگران خود، آن ها را در قفس سگ زندانی می کند ، تعجبی بر نمی انگیزد.

واقعیت این است که در سیستم سرمایه داری وابسته و در زیر سلطه رژیم حافظش جمهوری اسلامی، که هیچ حقی برای کارگران و ستمدیدگان به رسمیت شناخته نمی شود رویداد هایی نظیر آن چه در بالا به آن ها اشاره شد اموری طبیعی و ذاتی وضع کنونی است. یک جا ۱۴ ماه حقوق کارگر را نمی پردازند و جای دیگر کارگر معترض را که تنها خواهان پرداخت دستمزد معوقه اش شده بازداشت و به شلاق می بندند و حال کارفرمایی هم به جای پرداخت طلب کارگرش، کارگر طلبکار را در قفس سگ زندانی می کند. افشای همه ترفندهای ردیالنه کارفرمایان و رژیم حامی آن ها علیه کارگران و آشکار ساختن شرایط ظالمانه و بس دهشتناکی که آن ها برای کارگران ایران به وجود آورده اند، یکی از ملزومات کار مبارزاتی است تا کل جامعه دریابد که سرمایه داران چه شرایط استثمارگرانه وحشتناکی برای کارگران به وجود آورده اند و چرا خانواده های کارگری مدام از هم می پاشند! واقعیت ظلم و ستم بی حد و حصر صاحبان سرمایه و دولت حامی شان باید همواره به طور هر چه مشخص تر در معرض دید همگان قرار گیرد تا دانسته شود چه شرایط نکبت باری در جامعه باعث می شود تا هر روز بر جمعیت کارتن خواب ها، متکدی ها، تن فروش ها، معتادان و غیره در جامعه افزوده می گردد؛ تا این حقیقت بر همه ستمدیدگان با فریادی رسا به صدا درآید که بدون نابودی نظم ظالمانه موجود و بدون نابودی سگ نگهبان آن یعنی جمهوری اسلامی، نه کارگران و نه کل جامعه قادر به رهایی از این شرایط رنج آور نخواهند بود.

سمت اصلی مبارزه کارگران باید نابودی نظم ظالمانه حاکم باشد تا چشم انداز رهایی کارگران و برقراری سوسیالیسم به واقعیت تبدیل شود.

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۳۰ ، تیر ماه [سرطان] ۱۳۹۵